

فرب ترند های اغواگرانه را نخوریم

بحث ایجاد پایگاه های همیشه گی نظامی امریکا در افغانستان، از مباحث محوری در جریان بیش از یک ماه اخیر در میان حلقه ها، جریانهای سیاسی و رسانه های داخل کشور بوده است.

رئیس دولتواره یی افغانستان پس از برگشت از کنفرانس (مونشن) در ماه گذشته، از تمایل مقامهای امریکایی مبنی بر ایجاد چنین پایگاه ها سخن گفت و پس از آن چهره ها و شخصیت‌های مختلف، دیدگاه های متفاوتی در زمینه ابراز کردند.

این درحالیست که ناتو - امریکا چند ماه پیش در کنفرانس (لیسبون) مسأله خروج نیروهای شان را تا سال (۲۰۱۴) میلادی از افغانستان مطرح کردند و اعلام نمودند که بدین منظور باید روند انتقال مسؤولیت‌های امنیتی به نیروهای داخلی از سال (۲۰۱۱) میلادی آغاز شود.

ظاهراً حاکمیت کنونی هرگونه تصمیمگیری در مورد ایجاد پایگاه های دائمی امریکا در افغانستان را حق مردم افغانستان میداند و به صورت کُل با عنوان کردن برگزاری لویه جرگه، به نحوی میخواهد در برابر ابراز موافقت در اینباره، امتیازاتی از جانب امریکا به دست آورد.

از سوی دیگر دستگاه حاکم بر تسریع روند مذاکره با مخالفان مسلح تاکید میکند و گفته می شود که به صورت پنهانی تماسها و گفتگو هایی نیز میان هر دو طرف در ترکیه و لندن انجام یافته است، اما طالبان که در حال حاضر تصور می کنند ابتکار عمل را از لحاظ نظامی در دست دارند، بی توجه به آنچه از سوی حاکمیت عنوان می شود، فعالیتها و عملیاتیهای شانرا شدت بخشیده اند و در دو ماه اخیر با انجام عملیات انتحاری در شهرهای کابل، جلال آباد، گندز، کندهار و مناطق دیگر در تلاش اند تا با ایجاد رعب و ترس قدرت خود را به نمایش بگذارند و بدینترتیب در هر معامله سیاسی از امتیازات بیشتری بهره مند شوند.

درین میان مردم مظلوم افغانستان، بار سنگین بازیهای توسعه طلبانه و قدرت طلبانه نیروهای خارجی و دهشت افگنان را به دوش میکشند و پیوسته قربانی جنایات جنگی نیروهای متخاصم می گردند.

هرچه کشتار و قتل عام مردم بیدفاع غیر نظامی افزایش می یابد، به همان پیمانۀ بیرحمی و قساوت تشنه گان قدرت و رویکردهای اغواگرانه نیروهای اشغالگر بیشتر می شود و فرجام این ماجرای غم انگیز را دست کم در کوتاه مدت نمیتوان در سیاست بازیهای ابلهانه آنان سراغ کرد. طرفداران و مخالفان حضور دایمی امریکاییها هر چند استدلال شانرا در پوشش عوامفریبانه "منافع ملی" عنوان می کنند، اما روشن است که هر دو جانب میخواهند سرشت واقعی سیاستهای ضد مردمی شانرا که بر حفظ و کسب قدرت استوار است، بپوشانند.

آنانی که مداخلات کشورهای همسایه را به عنوان توجیهی برای ایجاد پایگاههای دایمی امریکا میدانند به این پرسش پاسخ روشن ندارند که حضور گسترده و بی رویۀ آمریکا - ناتو تا چه حدی برای پیشگیری از نفوذ و دخالت مستقیم این کشورها در امور داخلی کشور ما مفید و موثر بوده است و آیا این حضور خود بهانه یی برای گسترده گی ابعاد مداخلات همسایه گان در امور کشور ما نبوده است؟!

همچنان آنانیکه ده سال پیش به زور همین ولینعمتان شان برسرنوشت مردم و جامعه ما حاکم شدند و اکنون مزورانه خواهان خروج زود هنگام این نیروها و رها کردن مردم بیدفاع و رنج کشیده ما در کام جهل و شقاوت طالبانی و نظام حاکم غرق در فساد لجام گسیخته هستند، ایا ضمانتی برای جلوگیری از سقوط کشور در چنگال سیاه ترین نیروهای ارتجاعی قرن دارند؟!

حقیقت اینست که همه این ترفندها و خیمه شب بازیها - چه از سوی امریکاییها و چه از سوی به اصطلاح "موافقان و مخالفان" ظاهری شان - در راستای همان سیاست بازیهای دماغوژیک و عوامفریبانه ماکیاولستی صورت میپذیرد تا اگر بتوانند از تولد یک جنبش آزادیخواهانه و دادخواهانه به منظور سمتدهی مبارزات برحق مردم برای آزادی و دموکراسی جلوگیری کنند.

بدون تردید که ایجاد پایگاه های دایمی امریکا، برای گسترش سیادت سرمایه جهانی است و تنها و تنها در راستای منافع سلطه جویانه و توسعه طلبانه نیولیبرالیزم در حال انقراض میتواند توجیه پذیر باشد و هیچ ربطی به منافع مردم وکشور ما ندارد، اما باید بدانیم که امریکاییها نه برای تجاوز به کشور ما از ما مجوز گرفته اند و نه برای خروج از این منطقه نیازی به به اجازه و مشورۀ ما دارند. آنها به دنبال اهداف راهبردی غارتگرانه شان در اینجا حضور دارند و تا به دستیابی به آن سیاست توسعه طلبانه را دنبال میکنند.

در هر صورت چه امریکاییها بروند یا بمانند، تا زمانیکه نیروهای معامله گر و سازشکار ارتجاعی در روند رویدادهای جاری حضور دارند، هیچ چشم انداز امیدوار کننده برای نجات کشور از بحران پیچیده کنونی وجود نخواهد داشت.

از اینجاست که بسیج نیروهای دموکرات، ترقیخواه و میهنی به عنوان نیاز مبرم تاریخی و رسالت تاخیر ناپذیر در برابر ما قرار دارد. بنابر آن همه نیروهای وطندوست، ترقی پسند و مردمی را به همسویی و اتحاد استراتژیک برای نجات کشور فرا میخوانیم.

بر گرفته از ماهنامه راه آینده شماره چهارم مارچ ۲۰۱۱